

## تجلی آیات قرآن بر تزیینات کتیبه ای و شعر دوره تیموری (با تاکید بر اشعار خواجه کرمانی، اهلی شیرازی و هلال جغتایی)

### چکیده

دوره تیموری، عصر شکوفایی هم‌زمان هنر و ادبیات فارسی است. در کنار شاعران برجسته‌ای که میراث‌دار سبک عراقی و پیش‌گام ادبیات دوره صفوی بودند، هنر معماری و به‌ویژه تزیینات کتیبه‌ای به شکوفایی بی‌نظیری دست‌یافت. این مقاله با رویکردی توصیفی - تحلیلی، به بررسی «تجلی آیات قرآن» به‌عنوان پدیده‌ای مشترک و بنیادین در دو عرصه شعر و هنرهای تزیینی معماری عصر تیموری می‌پردازد. در بُعد شعر، اثرپذیری سه شاعر شاخص این دوره - خواجه کرمانی، اهلی شیرازی و هلالی جغتایی - از آیات قرآن و احادیث، در شیوه‌هایی چون واژه‌ای، گزاره‌ای، تلمیحی و الهامی مورد واکاوی قرار می‌گیرد. در بُعد هنری، مقاله حاضر به بررسی چگونگی به‌کارگیری آیات قرآن در کتیبه‌های مساجد و بناهای باشکوهی مانند مسجد گوهرشاد، مسجد جامع تیموری سمرقند و مدرسه خرگرد می‌پردازد؛ جایی که خطوط کوفی، ثلث و نسخ در کنار کاشی‌کاری‌های معرق فیروزه‌ای و آبی، نه‌تنها به‌عنوان عنصری تزیینی، بلکه به‌مثابه بیانی هنری از کلام وحی جلوه‌گر شده‌اند. نتایج این پژوهش حاکی از آن است که قرآن کریم، به‌عنوان سرچشمه‌ای یگانه، هم در جهان‌بینی و صور خیال شاعران و هم در زیبایی‌شناسی و مضامین تزیینات معماری این عصر نقشی محوری و هم‌سو ایفا کرده است. براین‌اساس، شعر و هنر تزیینی دوره تیموری را می‌توان دو تجلی‌گاه متمایز اما هم‌خوان از یک حقیقت مشترک دانست.

### اهداف پژوهش:

۱. بررسی و مقایسه شیوه‌های تجلی آیات قرآن در شعر دوره تیموری و تزیینات کتیبه‌ای این دوره.
۲. تبیین پیوند محتوایی و زیبایی‌شناختی بین مضامین قرآنی در ادبیات و هنرهای تزیینی عصر تیموری.

### سوالات پژوهش:

۱. آیات قرآن کریم چگونه هم در صور خیال شعر و هم در فرم و محتوای تزیینات کتیبه‌ای دوره تیموری تجلی یافته‌اند؟
۲. چه اشتراکات و افتراقاتی بین شیوه‌های بهره‌گیری از قرآن در متون شعری و آثار هنری این دوره وجود دارد؟

کلیدواژه‌ها: آیات قرآن، شعر دوره تیموری، اهلی شیرازی، خواجه کرمانی، تزیینات کتیبه ای، هلالی جغتایی.

## مقدمه

هنر و ادبیات دوره تیموری، به‌عنوان یکی از درخشان‌ترین ادوار تمدن اسلامی، تجلی‌گاه پیوند ناگسستنی میان مضامین قرآنی و جلوه‌های زیبایی‌شناختی بود. در این عصر، کلام وحی نه‌تنها جان‌مایه اصلی سروده‌های شاعران شد، بلکه در کالبد معماری و تزیینات باشکوه بناها نیز جریان یافت و فضایی معنوی پدید آورد. شاعران مسلمان همواره آیات قرآن را چراغ راه اندیشه و محمل تعالی کلام خویش قرار داده‌اند؛ چرا که این کتاب آسمانی، والاترین سرچشمه الهام برای بازتاب باورهای دینی و عمق بخشیدن به مضامین شعری محسوب می‌شده است. از همان نخستین روزهای سرایش شعر فارسی، ردپای قرآن در آثار شاعران مشهود بود، هرچند در سده‌های سوم و چهار قمری، به دلیل غلبه مضامین مدحی و عاشقانه، این تأثیرپذیری چندان گسترده نبود. با این حال، به تدریج و همگام با رشد بینش اسلامی در میان شاعران، استفاده از آیات و احادیث در شعر فارسی اوج گرفت و در دوره‌هایی مانند عصر تیموری به کمال خود رسید. در این برهه تاریخی، هنر معماری نیز هم‌سو با شعر، به خدمت بیان مفاهیم قرآنی درآمد. کتیبه‌های مساجد و مدارس، با خطوط کوفی، ثلث و نسخ، و با بهره‌گیری از کاشی‌های معرق فیروزه‌ای و لاجوردی، آیات قرآن را نه‌تنها به‌عنوان متنی مقدس، بلکه به‌مثابه عنصری تزیینی و نمادین در معرض دید همگان قرار داد. این هم‌زیستی هنر کتیبه‌نگاری و شعر، نشان‌دهنده زبانی مشترک بود که هر دو برخاسته از جهان‌بینی قرآنی و عرفانی حاکم بر جامعه آن روزگار بودند؛ بنابراین، بررسی تجلی آیات قرآن در شعر دوره تیموری، بدون توجه به بستر هنری و معماری هم‌عصر آن، ناقص خواهد بود. این پژوهش در پی آن است تا با نگاهی بینارشته‌ای، شیوه‌های اثرپذیری شاعران بزرگی چون خواجوی کرمانی، اهلی شیرازی و هلالی جغتایی از قرآن کریم را تحلیل کند و در کنار آن، نشان دهد که چگونه همان مضامین در قالب کتیبه‌های معماری این دوره - از جمله در مجموعه‌های بزرگی مانند مسجد گوهرشاد و مسجد بی‌بی خانم - تجسم یافته‌اند. چنین پژوهشی نه‌تنها گواهی بر نفوذ عمیق قرآن در تمامی لایه‌های فرهنگی و هنری عصر تیموری است، بلکه درک ما را از پیوند ناگسستنی هنر و ادبیات در تمدن اسلامی ژرفا می‌بخشد. روش این تحقیق، توصیفی - تحلیلی و مبتنی بر مطالعه کتابخانه‌ای دیوان شاعران و نیز منابع مرتبط با هنر و معماری دوران تیموری است. امید که نتایج این تحقیق، افق‌های تازه‌ای در شناخت هرچه بیشتر تعامل میان متون مقدس، ادبیات و هنرهای تجسمی در ایران دوره اسلامی بگشاید.

## نتیجه‌گیری

بررسی حاضر با رویکردی بینارشته‌ای نشان می‌دهد که قرآن کریم نه‌تنها به‌عنوان متنی دینی، بلکه به‌مثابه گنجینه‌ای بی‌پایان از مضامین، تعبیر و صور خیال، هم در عرصه ادبیات و هم در قلمرو هنرهای تزیینی دوره تیموری نقشی محوری ایفا کرده است. این پژوهش با تحلیل اشعار سه تن از برجسته‌ترین شاعران این عصر - خواجوی کرمانی، اهلی شیرازی و هلالی جغتایی - و نیز با توجه به بستر هنری غالب آن زمان، به این نتیجه دست‌یافت که تجلی قرآن در فرهنگ تیموری، پدیده‌ای چندبعدی و فراگیر بوده است. یافته‌ها حاکی از آن است که هر یک از این شاعران، بسته به سبک شخصی و عمق دانش دینی خود، از شیوه‌های گوناگونی برای بهره‌گیری از آیات و احادیث استفاده کرده‌اند. در یک نگاه کلی، اثرپذیری واژه‌ای و گزاره‌ای از طریق اقتباس، تضمین و حل، همچنین کاربرد تلمیح و رویکرد الهامی

- بنیادی، پرکاربردترین روش‌ها در میان هر سه شاعر بوده است. با این حال، سلیقه فردی نیز در اولویت‌بندی این شیوه‌ها مؤثر واقع شده؛ برای نمونه، خواجوی کرمانی به برجستگی بر استفاده از الفاظ قرآن و آفرینش مضامین تازه از رهگذر تلمیح تأکید داشته، حال آنکه اهلی شیرازی، با انس بیشتر با مفاهیم شریعت، بهره‌وری محتوایی و گزاره‌ای را در کانون کار خود قرار داده است. هلالی جغتایی نیز طیفی گسترده از شیوه‌ها را به کار بسته، اما استفاده از تأویل و تصویرآفرینی محض در آثار او کم‌رنگ‌تر است.

در یک نگاه کلان‌تر، این شیوه‌های ادبی در تعاملی تنگاتنگ با هنر معماری و به‌ویژه «تزیینات کتیبه‌ای» همان دوره قرار می‌گیرند. همان‌گونه که شاعران با به‌کارگیری آیات، کلام خود را هم از لحاظ معنوی غنی می‌ساختند و هم بر زیبایی‌شناسی آن می‌افزودند، معماران و خوشنویسان تیموری نیز با حکاکی آیات قرآن بر کاشی‌های معرق مساجد و مدارس، هم فضایی روحانی می‌آفریدند و هم بر شکوه بصری بناها تأکید می‌کردند. این هم‌آهنگی بین شعر و معماری در به‌کارگیری کلام وحی، گویای یک «زبان هنری مشترک» و یک «جهان‌بینی یکپارچه» در تمدن ایرانی - اسلامی عصر تیموری است؛ بنابراین، می‌توان دریافت که قرآن در این دوره، تنها یک منبع الهام جداافتاده نبوده، بلکه خمیرمایه‌ای زنده و پویا بوده که هم در کلام شاعران و هم در نقش‌ونگار بناها جریان داشته و هویت فرهنگی و هنری آن عصر را شکل می‌داده است. این پژوهش راه را برای مطالعات آینده در زمینه بررسی تطبیقی مضامین مشترک در ادبیات و سایر هنرهای سنتی ایران می‌گشاید.

#### فهرست منابع و مآخذ:

ابن‌أثیر، ضیاء‌الیدین. (۱۹۹۵)، المثل السائر فی ادب الکاتب والشاعر، تحقیق احمد الحوفی، قاهره دارالنهضة العربیة.

آزند، یعقوب. (۱۳۸۷)، «کتابت خانه و صورت خانه در مکتب هرات»، گلستان هنر، شماره ۱۰،

اهلی شیرازی، محمد بن یوسف. (۱۳۴۴)، کلیات اشعار به کوشش حامد ربانی، نشر سنایی: تهران.

آیتی، محمود. (۱۳۹۵)، «ارزیابی سروده‌های مذهبی شاعران برجسته شیعه در سده نهم هجری»، فصلنامه عرفان اسلامی، سال چهاردهم، شماره ۵۵.

پیرنیا، حسن و عباس اقبال آشتیانی. (۱۳۸۶)، تاریخ ایران، تهران: بهزاد، چاپ پنجم.

حلی، علی اصغر. (۱۳۸۹)، تأثیر قرآن و حدیث در ادبیات فارسی، تهران: اساطیر، چاپ هفتم.

خرمشاهی، بها. الدین. (۱۳۸۱)، دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی، تهران: دوستان، ناھید، چاپ دوم.

خواجوی کرمانی. (۱۳۷۴)، دیوان اشعار. به تصحیح احمد سهیلی خوانساری. تهران: مروی.

دانشگاه کمبریج. (۱۳۷۹)، تاریخ تیموریان به روایت کمبریج. ترجمه یعقوب آژند. چاپ اول. تهران: انتشارات جامی.

ذوالفقاری، محسن، امیدعلی، حجت اله. (۱۳۹۶)، «تحلیل کارکردهای آیات قرآن در اشعار شاه نعمت‌الله ولی»، فصلنامه علمی - پژوهشی پژوهش‌های ادبی - قرآنی (دانشگاه اراک)، سال پنجم، شماره اول.

- راستگو، سید محمد. (۱۳۸۹)، تجلی قرآن و حدیث در شعر فارسی، تهران: انتشارات سمت.
- راشد محصل، محمدرضا. (۱۳۸۹)، پرتوهایی از قرآن و حدیث در ادب فارسی، مشهد: موسسه چاپ و انتشارات ستان قدس رضوی.
- رجبی کاریزکی، یوسف، عبدی، مهدی، عابدپور، سمیرا. (۱۳۹۵)، «کلام پرودگار در اشعار قاسم انوار (تجلی قرآن در اشعار قاسم انوار)»، کنگره بین المللی زبان و ادبیات، دانشگاه فرهنگیان، پردیس شهید مفتاح شهر ری. ۱۵.
- زرین کوب، عبدالحسین. (۱۳۸۳)، روزگاران ایران، تهران: سخن، چاپ پنجم.
- شمیسا، سیروس (۱۳۸۶). فرهنگ تلمیحات، تهران: میترا.
- صفا، ذبیح الله، (۱۳۸۷). تاریخ ادبیات در ایران، ج ۱، تهران: ققنوس، چاپ هفدهم.
- علشیر نوایی، میر نظام الدین. (۱۳۷۵)، مجالس النفائس، به اهتمام علی اصغر حکمت، تهران: منوچهری، چاپ دوم.
- قرآن کریم، ترجمه الهی‌قمشه‌ای، دفتر فرهنگی نور، وابسته به انتشارات مهشاد.
- کلاله، خاور (بی تا)، تاریخ سیستان، تصحیح ملک الشعرا بهار، تهران.
- مدرس‌زاده، عبدالرضا. (۱۳۹۴)، از سیستان تا تهران (سبک‌شناسی شعر فارسی)، کاشان. دانشگاه آزاد اسلامی واحد کاشان.
- مرزبان‌راد، علی. (۱۳۷۶)، قرآن و حدیث در ادب فارسی، مرکز نشر دانشگاه صنعتی امیر کبیر.
- مغربی، شمس. (۱۳۵۸)، دیوان، مقدمه و تصحیح: ابوطالب میرعابدینی، تهران: نشر زوار.
- میرجعفری، حسین. (۱۳۸۰)، «نقش تیموریان و حمایت آنان در شکوفایی فرهنگ و تمدن ایرانی»، علوم انسانی دانشگاه سیستان و بلوچستان، ویژه‌نامه تاریخ و علوم اجتماعی.
- نقی‌زاده، محمد. (۱۳۸۷). مبانی هنر دینی در فرهنگ اسلامی، جلد اول (مبانی و نظام فکری)، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- هاشمی خراسانی، حجت. (۱۳۷۲). مفصل شرح مطول، چاپ اول، قم: انتشارات حاذق.
- واثقی خوندایی، داود، ملک ثابت، مهدی، کهدویی، محمدکاظم. (۱۳۹۶)، «بازتاب تأویل‌های قرآنی مثنوی مولوی در مثنوی‌های سلطان‌ولد»، فصلنامه علمی - پژوهشی پژوهش‌های ادبی - قرآنی، سال پنجم، شماره چهارم.
- وحیدیان کامیار، تقی. (۱۳۸۵)، بدیع از دیدگاه زیباشناسی، چاپ دوم، تهران: انتشارات سمت.
- یارشاطر، احسان. (۱۳۳۴). شعر فارسی در عهد شاهرخ (نیمه اول قرن نهم) آغاز انحطاط در شعر فارسی. تهران: دانشگاه تهران.